

# استراتژی جدید ایالات متحده آمریکا و امنیت ملی افغانستان

عبدالرضا فرجی راد<sup>۱</sup>

استادیار ژئوپلتیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

بهنام شهبازی

دانشجوی دکتری علوم استراتژیک دانشگاه دفاع ملی، تهران

سیدهادی ساداتی

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

محمد درخور

دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۸

## چکیده

ایالات متحده در اکتبر ۲۰۰۱ به افغانستان حمله نمود و طولانی‌ترین جنگ در تاریخ آمریکا آغاز شد. بعد از ۱۰ سال در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۱ باراک اوباما اعلام کرد که نیروهای افغانستان در آینده نزدیک شروع به خروج از افغانستان می‌کنند و نهایتاً تا ۲۰۱۴ کلیه نیروهای عملیاتی آمریکا از افغانستان خارج می‌شوند. در حالی که ویژگی دولت در افغانستان شکست تداوم یافته است و طالبان هنوز در حال فعالیت هستند و اقدامات تروریستی آن‌ها مخل امنیت افغانستان است. افغانستان بعد از خروج نیروهای آمریکا، هم با چالش و هم با فرصت‌هایی روبه‌رو است که این وابسته به توانایی مدیریت بحران آمریکا قرار دارد. در این مقاله به تحلیل وضعیت جدید افغانستان که با خروج نیروهای آمریکا شکل می‌گیرد پرداخته خواهد شد. سؤال اصلی تحقیق این است که: استراتژی جدید آمریکا چه تأثیری بر امنیت ملی افغانستان خواهد گذاشت؟ این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی معتبر و با روش توصیفی همراه با تحلیل داده‌ها تهیه و تدوین شده است.

واژگان کلیدی: استراتژی، اوباما، آمریکا، افغانستان، امنیت ملی

## مقدمه

افغانستان دارای یک موقعیت حیاتی و ژئواستراتژیک می‌باشد. نزدیکی به مناطق بحرانی و ناآرام همچون خاورمیانه، مرزهای هند و پاکستان و آسیای مرکزی به این کشور جایگاه خاصی بخشیده است. در واقع این نقش در گذر زمان در حال افزایش نیز می‌باشد. اهمیت یافتن نفت و گاز آسیای مرکزی که طبق برآوردها در حد و اندازه نفت و گاز دریای شمال برآورده شده است. اهمیت دوچندانی را به افغانستان به عنوان حد واسط این کشورها برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی موجب شده است. به‌علاوه این کشور حلقه اتصال آسیای مرکزی به حوزه آسیای جنوبی می‌باشد. در عین حال وجود افغانستان به عنوان یک مانع در برابر پروسه توسعه منطقه نیز به اثبات رسیده است. افغانستان منبع و سرچشمه تولید مواد مخدر در منطقه است. معضلات بنیادگرایی و افراط‌گرایی ایدئولوژیک، تجارت اسلحه و تروریسم نیز در ارتباط مستقیم با افغانستان می‌باشند. رقابت بر سر نفوذ در افغانستان همواره وجود داشته است از رقابت در سطح منطقه‌ای یعنی ایران و پاکستان گرفته تا سطح بین‌المللی و کشورهایی همچون انگلیس، روسیه، آمریکا و چین و این موضوع در دوره‌های مختلف تاریخی قابل مشاهده بوده است. مجموعه این مسائل منجر به تداوم جنگ در افغانستان گردیده است.

وقایع ۱۱ سپتامبر منجر به تشکیل ائتلاف جهانی علیه تروریسم گردید و دولت آمریکا از حکومت طالبان تحویل فوری اسامه بن‌لادن رهبر گروه تروریستی القاعده که مظنون اصلی حملات ۱۱ سپتامبر بود را خواستار شد و دولت طالبان از این مسئله سرباز زد. ایالات متحده با حمایت ناتو و کشورهای متحد خود که به بیش از ۴۰ کشور بالغ می‌گردید ([www.isaf.nato.int](http://www.isaf.nato.int)). جنگ را در اکتبر سال ۲۰۰۱ در افغانستان آغاز کرد و به سرعت طالبان از صحنه قدرت در این کشور کنار گذاشته شد.

مفهوم استراتژی<sup>۲</sup>

استراتژی از کلمه یونانی *Stratos* به معنای «ارتش» و *agein* به معنای «هدایت کردن» اخذ شده است و ابراز می‌کنند که در حقیقت استراتژی به عنوان هنر هدایت یک ارتش، به طور بنیادین وجود دشمن یا دست کم یک رقیب را تداعی می‌کند که باید با آن نبرد کرد یا جایش را گرفت» (لاکوست و ژیلین، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

با نگرش به استراتژی می‌توان گفت که استراتژی محصول گفت و گو میان سیاست و قدرت نظامی است، ولی اگر بخواهیم مفهوم استراتژی را با دید همگانی و عمومی در نظر بگیریم، استراتژی عبارت است از «تفکری جهان شمول، به منظور دستیابی به مفاهیمی جهت نیل به اهداف همه جانبه» (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

طبق نظر باسیل لیدل هارت<sup>۳</sup>، استراتژی هنر توزیع و به‌کارگیری ابزار نظامی برای برآورد کردن مقاصد سیاسی است؛ به نظر هدلی بول<sup>۴</sup>، «استراتژی از نیروی نظامی به منظور دستیابی به مقاصد سیاسی بهره برداری می‌کند»، کالین گری معتقد است که «استراتژی رابطه بین قدرت نظامی و قصد سیاسی است»، آندره بوفر<sup>۵</sup> نیز این اعتقاد را دارد که

<sup>2</sup> Strategy

<sup>2</sup> Basil Liddell - Hart

<sup>3</sup> Hedley Bull

<sup>4</sup> Andre Beaufre

«استراتژی هنر دیالکتیک دو اراده متضاد سیاسی است که برای حل اختلاف از زور استفاده می‌کنند(عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۱).

جان ام کالینز معتقد است، طراحی هر استراتژی باید چنان باشد که نیازهای ویژه‌ای را برآورد. در مجموع، استراتژی، علم و فن‌گزینش درست از منابع متنوع است. واکنش‌هایی که برای یک رهبر یا یک کشور، صحیح به نظر می‌رسد ممکن است برای دیگران کاملاً نامناسب باشد. تمام استراتژیست‌ها، بدون در نظر گرفتن اعتقاد فلسفی‌شان، اسیر قیود سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و تکنولوژی بی‌شماری هستند بعضی از این قیود مانند اراده ملی و افکار جهانی نامحسوس هستند. فرایض انسانی و فتوت همراه با محدودیت‌های اخلاقی و حقوقی نیز در این زمینه نقش خود را بازی می‌کنند(کالینز، ۱۳۸۳: ۵۴).

روش تحقیق

در این پژوهش سعی شده از منابع کتابخانه‌ای؛ مقالات و نظرات کارشناسان در رسانه‌های معتبر بهره‌برداری و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

یافته‌های تحقیق

الف) تحولات جدید افغانستان

با فروپاشی حکومت طالبانی در افغانستان، اجلاس بن به عنوان مهم‌ترین تحول در آینده ساختار سیاسی افغانستان تشکیل شد. در این اجلاس نوع حکومت آینده افغانستان، دولت موقت و نحوه نگارش قانون اساسی افغانستان مورد بحث قرار گرفت و نظام دموکراسی با رأی مستقیم مردم در این کشور جنگ زده آغاز به کار نمود.

در دوره ذکر شده که همزمان با ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش در آمریکا بود حضور نیروهای آمریکایی در افغانستان افزایش یافت و سلسله عملیات‌هایی بر علیه طالبان که از سال ۲۰۰۵ دوباره فعالیت‌های خود را آغاز نموده بودند آغاز گردید. در این دوره پاکستان نیز به عرصه جنگ علیه طالبان وارد گردید که با کمک آمریکا موفق شد کنترلی ضعیف بر مرزهای خود با افغانستان اعمال نماید. در این میان بحران اقتصاد جهانی آینده جنگ را در هاله‌ای از ابهام فرو برد.

رئیس جمهور جدید آمریکا، باراک اوباما که با شعار حامیان جنگ حتی موفق به دریافت جایزه صلح نوبل نیز گردید دو استراتژی متمایز را در دو مرحله اجرا نمود. در مرحله اول او معتقد به جنگ کثیف و جنگ تمیز بود. به این معنی که برای مبارزه با تروریسم، افغانستان در اولویت است و عراق می‌بایست از کنترل مستقیم نیروهای آمریکایی خارج گردد. در این میان در فوریه سال ۲۰۰۹، اوباما ۱۷۰۰۰ نیروی جدید به افغانستان اعزام نموده که بیشتر در مناطق جنوبی مستقر گردیدند(The Stationery, 2009: P70).

در استراتژی دوم اوباما، دولت آمریکا بر مسئله کمک اقتصادی به افغانستان تمرکز بیشتری نمود تا زمینه خروج نیروهای آمریکایی مهیا گردد. در چارچوب این استراتژی، آمریکا بیش از دو میلیارد و ششصد میلیون دلار کمک در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به دولت افغانستان در زمینه کشاورزی نموده است چرا که بیش از ۸۰٪ مردم افغانستان به طور مستقیم و غیرمستقیم از این طریق امرار معاش می‌نمایند.

ایالات متحده در این استراتژی درصدد انتقال مسئولیت تأمین امنیت به نیروهای افغان شامل ارتش ملی افغانستان و پلیس ملی است. در کنفرانس کابل در جولای ۲۰۱۰ همه شرکت کنندگان دیدگاه رئیس جمهور کرزای مبنی بر اینکه نیروهای امنیتی افغان می‌بایست تا ۲۰۱۴ رهبری تمامی عملیات‌ها را در سرتاسر افغانستان را به عهده گیرند مورد پذیرش قرار دادند.

در آخرین مرحله از اجرای این استراتژی اوباما در ژوئن ۲۰۱۱ تصمیم خود را در خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان اعلام کرد و بدین ترتیب دوره جدیدی در تحولات افغانستان آغاز گردید.

در این نوشتار به این مسئله پرداخته خواهد شد که تأثیر این تصمیم اوباما و خروج احتمالی نیروهای آمریکایی در آینده‌ای قریب‌الوقوع بر روند دولت‌سازی و امنیت افغانستان چه تاثیری خواهد گذاشت.

### پروژه سیاسی در افغانستان بعد از خروج نیروهای آمریکایی

#### تحولات نوین در صحنه سیاسی افغانستان

دموکراتیزه شدن نقشی مهم و رو به جلو را در صحنه سیاسی افغانستان ایفا می‌کند. نقشی که منجر به تسهیل ایجاد چارچوبی برای ثبات و مشروعیت خواهد شد که این مسئله را می‌توان در چارچوب اندیشه کانتی یعنی صلح دموکراتیک نیز مورد مطالعه قرار داد (Pouligny, 2000).

چرا که دموکراسی بهترین شیوه برای ایجاد یک زندگی همراه با صلح و تسامح در بین گروه‌های متمایز و مختلف می‌باشد. نهادهای دموکراتیک مهم‌ترین محور و حلقه اتصال پروژه دموکراسی‌سازی در هر کشوری است که بدون آنها نمی‌توانیم به صلح و ثبات در آن کشور امیدوار و خوش‌بین باشیم.

رآنی مولن (Rani mullen) معتقد است که موافقت نامه بن سامانه ای را برای دموکراسی‌سازی و ایجاد نهادهای دموکراتیک در افغانستان ایجاد نمود که در آن حتی چارچوب زمانی نیز تعیین گردیده بود (Mullen, July 2008) (57 - 56P): تلاش‌های گروه‌های افغان و نیروهای خارجی در ایجاد این موافقت‌نامه بسیار سازنده بود. اما مشکل موافقت‌نامه این بود که نمایندگان شرکت کننده در این اجلاس منتخب واقعی مردم افغانستان نبودند و تنها عده کمی را به صورت واقعی نمایندگی می‌کردند و گذشته از آن اجلاس بن، اجلاس بزرگان مخالف طالبان بود.

قانون اساسی کنونی افغانستان مصوب اجلاس بن بود و پیش‌نویس آن مدتی پس از اجلاس تهیه و به تصویب شورای مردمی افغان (لویی جرگه) و سپس در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴ به تصویب حامد کرزای رسید. در این قانون نظام دو مجلسی و با اختیارات گسترده به ریاست جمهوری برای افغانستان لحاظ گردیده است. قوه قضائیه می‌بایست بر مبنای حقوق اسلامی اداره گردد و دادگاه عالی بر قلمرو قضایی و تدوین و تصویب قانون نظارت دارد. حقوق زبانی برای اقلیت‌های قومی و زبانی در نظر گرفته شده است. (Aras, Summet 2007) در حالت عادی به نظر می‌رسد که بسیاری از اهداف اجلاس بن در قانون اساسی منعکس شده و عملاً اجلاس در حوزه قانون اساسی به اهداف خود رسیده است.

اما ظهور مشکلاتی عملاً اجرای آن که یک قانون اساسی حقوقی و پیشرفته است را با مشکلاتی مواجه نموده است.

حکومت دارای روشی است که در آن جوامع با نظم بخشی به خود درصدد حفظ نظم اجتماعی و تأمین امنیت هستند. در این میان دولت ابزار و وسیله این اعمال حاکمیت است. در جوامع توسعه یافته دولت تنها نهاد مشروع و بی‌رقیب اعمال حکومت می‌باشد. این مسئله که دولت بالاترین نهاد اعمال حاکمیت است هیچگاه در تاریخ افغانستان از قرن شانزدهم وجود نداشته است (Barfield, winter 2009).

در افغانستان دولت نه تنها از تجربه حکومت داری برخوردار نیست بلکه تبدیل به یک دولت ورشکسته نیز شده است. این دولت مقدار قابل توجهی از اقتدار خود بر سرزمین تحت حاکمیتش را از دست داده است. وسعت اقتدار دولت مرکزی تنها محدود به پایتخت و برخی شهرهای بزرگ در مناطق شمالی این کشور می‌باشد و عملاً دولت افغانستان حاکمیتی بر بسیاری از مناطق افغانستان ندارد (Rotberg, Summer, 2002: P 86) گذشته از این حاکمیت دولت در برخی مناطق نیز فصلی است و عملاً در برخی از ماه‌های سال دولت هیچ‌گونه دسترسی به برخی مناطق ندارد.

خصیصه بعدی در سنت حکومت‌داری افغانستان، ضعف دولت در برابر جامعه بوده است. دولت همواره در این کشور ضعیف بوده چرا که توانایی تسلط بر یک ساختار اجتماعی قومی و قبیله‌ای مقاوم و گاه غالب بر دولت را نداشته است. جامعه در افغانستان که به قومیت‌های منطبق بر قبایل تقسیم می‌شده است در طول قرون متمادی تمامی عناصر سنتی قدرت یعنی جمعیت، اقتصاد مستقل و سرزمین بدون حاکمیت خارجی یا دولت مرکزی را در اختیار داشته است. در حالی که دولت در این کشور دارای ریشه‌های قومی بوده است. پدیده جنگ سالاران در افغانستان که هم اکنون نیز بزرگ‌ترین تهدید برای بی‌ثبات‌سازی افغانستان پس از تروریسم می‌باشد ریشه در این سنت سیاسی - تاریخی افغانستان داشته و برای مقابله با این سنت نیاز به تغییری بنیادی در ساختار اجتماعی افغانستان می‌باشد.

تداوم پدیده جنگ سالاران منجر به فقدان امنیت در افغانستان گردیده است. عدم تابعیت از دولت مرکزی موجب شده تا در مناطق محلی، این پدیده مشروعیت اعمال قدرت را کسب نماید و همین مسئله در بسیاری از موارد موجب اقدامات ضد حقوق بشری زیادی علیه مردم عادی و علی‌الخصوص زنان گردیده است. در مناطق قبایل نشین پاکستان که عملاً از هر گونه اعمال حاکمیت دولتی آزاد است ما شاهد نمونه‌های بسیاری از این اقدامات بوده‌ایم. در افغانستان این میزان نسبت به مناطق قبایل نشین کمتر است که البته این مسئله نیز به دلیل حضور نیروهای خارجی و ایجاد محدودیت در آزادی عمل آنهاست و گذشته از آن سنت جنگ سالاری همراه با خشونت افراطی بیشتر در مناطق جنوبی و شرقی افغانستان که فرهنگ پشتوئیسم در آن بارزتر است دیده می‌شود.

بنا بر گزارش سال ۲۰۰۵ دیده‌بان حقوق بشر، سرکوب سیاسی، اقدامات ضد حقوق بشر و فعالیت‌های جنایتکارانه به وسیله جنگ سالاران خود را در اشکال مختلفی همچون تجاوز به عنف، تجاوز دسته‌جمعی، قتل و ترور، بازداشت‌های غیرقانونی، تبعیدهای اجباری، قاچاق انسان علی‌الخصوص قاچاق زنان و کودکان نشان می‌دهد. اقدامات این چنینی این گروه‌ها باعث گسترش ناامنی اجتماعی زیادی در افغانستان گردیده است. دولت کربزای با

این اقدامات مشروعیت خود را در جامعه‌ای که به تازگی در حال تجربه دولت مداری است را از دست داده و باعث کمک به اقدامات طالبان و زمینه بی‌ثباتی را فراهم می‌آورد (Lafraie, 2009: PP104-105).

خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان این احتمال که آزادی عمل جنگ‌سالاران بیشتر شود را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی دولت آمریکا و دولت افغانستان می‌بایست به ایجاد بستری برای نهادینه کردن حضور سیاسی این جنگ‌سالاران در فضای سیاسی افغانستان اقدام نمایند. البته خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان به یک تعبیر خروج آمریکا از افغانستان نیست بلکه حضور پایگاه‌های آمریکا در افغانستان همچنان می‌تواند اهرم حمایتی از دولت مرکزی باشند تا بتواند استقلال عمل خود را حفظ نماید.

ب) طالبان در آینده افغانستان بعد از خروج نیروهای آمریکا

طالبان یک مفهوم ثابت به عنوان یک گروه تروریستی فعال در افغانستان نیست. ابتدا اینکه طالبان یک تفکر عقیدتی اسلامی است که عقاید خاصی در رابطه با حکومت، دین و سیاست دارد و گذشته از آن پیروان آن نیز تنها منحصر به یک گروه خاص نیستند. از این سنت فکری گروه‌های متعددی منشعب شدند که دو گروه مسلط و غالب طالبان پاکستان و طالبان افغانستان است. این دو گروه علی‌رغم شباهت در عقاید دینی دو استراتژی کاملاً متفاوت را دنبال می‌کنند. طالبان پاکستان که در برخی از منابع از آن‌ها به عنوان طالبان محلی نیز یاد شده است هیچ‌گونه تعهدی نسبت به رهبری ملا عمر نداشته‌اند. آن‌ها خود را بخشی از جنبش بزرگ طالبان می‌دانند. طالبان پاکستان بیشتر فعالیت خود را بر علیه دولت پاکستان متمرکز کرده است. اقدامات زیادی را بر علیه ارتش و نیروهای پاکستان انجام داده و جنبش آن‌ها کمتر بر علیه نیروهای خارجی اقدام خاصی انجام داده است. در حالی که طالبان افغانستان که ملا عمر رهبری آن‌ها را بر عهده دارد رابطه نزدیکی با سرویس‌های اطلاعاتی و ارتش پاکستان دارد و در زمان حکومت در افغانستان در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ کمک‌های زیادی از دولت پاکستان دریافت نمودند. تمرکز فعالیت طالبان افغانستان بر علیه نیروهای خارجی شامل نیروهای آمریکا، ناتو و ایساف است و دارای استراتژی بلندمدت در از بین بردن دولت مرکزی و سلطه مجدد بر افغانستان می‌باشد (Acharya, 2009, pp 96-97).

قدرت‌یابی دوباره طالبان افغانی از سال ۲۰۰۵ در جنوب و شرق افغانستان آغاز شد و پروسه بی‌ثبات سازی را در افغانستان شروع نمودند. اقدامات آن‌ها علاوه بر نیروهای خارجی و دولت افغانستان مردم عادی را نیز هدف قرار داده و قربانی نموده و خرابی‌های زیادی را به بار آورده است. در سال ۲۰۰۶ آن‌ها حتی بخش‌هایی از استان‌های جنوبی را در حوزه حاکمیتی غیررسمی خود قرار داده‌اند و عملاً حاکمیت دولت مرکزی را تا سر حد از بین بردن تضعیف نمودند. طالبان با استفاده از عناصری همچون مناطق قبایل نشین، اکثریت پشتون، مواد مخدر، تجارت اسلحه توانسته تا به ثبات در تداوم حیات خود برسد که این مسئله به معنی تداوم بی‌ثباتی در افغانستان می‌باشد (Kuntzsch, July 2008: P13).

قدرت‌یابی طالبان در سه سال اخیر که منجر به تدارک عملیات‌های گسترده‌ای حتی علیه نیروهای آمریکایی نیز گردید بزرگ‌ترین خطر برای تحکیم دولت مرکزی است. روند کنونی این احتمال که در آینده افغانستان طالبان مهم‌ترین گروه فراملی مخرب در افغانستان باشد را تقویت می‌کند. اما این مسئله که طالبان دوباره همچون دهه ۱۹۹۰ بتواند بر صحنه سیاسی افغانستان مسلط گردند غیرمحمول می‌باشد.

خروج نیروهای آمریکا از افغانستان موجب تقویت نیروهای تروریستی و بی‌اعتمادی و احتمالاً منجر به افزایش اقدامات تروریستی آن‌ها می‌گردد. این در حالی است که حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و همسایگان از دولت مرکزی در افغانستان حاشیه امنی را برای تداوم حفظ وضع موجود ایجاد نموده است. ناتوانی در از بین بردن طالبان به دلیل وجود ریشه‌های اجتماعی در جامعه افغانستان و پاکستان است و خروج نیروهای آمریکایی در چنین وضعیتی می‌تواند به گسترش حملات تروریستی نسبت به دولت مرکزی منجر گردد. این مسئله که محوریت این تخریب‌ها در مناطق شهری می‌باشد فاصله شهر و جوامع روستایی افغانستان از لحاظ نگاه سیاسی را عمق می‌بخشد. از یک طرف حمایت از طالبان در میان کشاورزان ریشه‌های بنیادگرایی را مناطق روستایی افغانستان نشان می‌دهد. از طرف دیگر اقدامات تخریبی در شهرها، طالبان را به معضلی برای جامعه افغانی تبدیل نموده است. این فاصله موجب شکاف عمیق‌تر بین شهر و روستا شده که موجب تأخیر در پروسه دولت - ملت‌سازی می‌گردد.

برنامه‌های ایالات متحده و متحدان آن در مذاکره و برقراری ارتباط با قسمتی از طالبان نیز نتیجه قابل توجهی را در بر نداشته است چرا که طالبان یک گروه تروریستی نیست بلکه طالبان یک اندیشه تروریستی است. در مناطق قبایل‌نشین و جنوب افغانستان هستند عده زیادی که جزء طالبان نیستند اما از لحاظ فکری به آن‌ها نزدیکند. طالبان یک جنبش ضد مدرنیته است. تفاوت بین اسلام سیاسی سنتی از نگاه طالبان با مدرنیته حاصل از غرب تا بدانجاست که عدم واکنش به آن موجب ارتداد و تلاش در جهت فایق شدن اسلام و جهاد در راه خداست. بنابراین آمریکا به عنوان کشوری که خود را نماینده و میراث‌دار فرهنگ غربی می‌داند و مدرنیته را مترادف با جامعه آمریکایی می‌داند در برابر طالبان دو راه دارد.

راه اول حذف طالبان بود که عملاً این در یک پروسه ۱۰ ساله عدم موفقیت آن به اثبات رسید و راه حل دوم ایجاد تحریم علیه طالبان است که این مسئله نیز خطر اقدامات تروریستی را در درون تمدن غربی افزایش می‌دهد در این چارچوب بنیادگرایی اسلامی معضلی فرهنگی است که برای مهار آن راه‌حل‌های یک سویه، ناکارآمدی خود را به اثبات رسانیده‌اند.

ج) ارتش ملی افغان و خروج نیروهای آمریکا از افغانستان

افغانستان دارای یک ارتش ملی جدیدالتأسیس است که با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌باشد. برنامه‌هایی برای گسترش و تقویت آن وجود دارد که بر مبنای آن این ارتش می‌بایست تا سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۰۸ هزار نیرو داشته باشد (Radin, 2011). این ارتش هم‌اکنون ماهیانه ۲۸۰۰ سرباز عضوگیری دارد که با این روند در اکتبر ۲۰۱۱، تعداد نیروهای نظامی ارتش ملی افغان به ۱۷۱/۶۰۰ نفر خواهد رسید (wyatt, March 2011).

برای رسیدن به این هدف داشتن منابع مالی مناسب بسیار مهم است. کنگره آمریکا برای چند سال اخیر تا ۲۰۱۲ مبلغ ۱۲/۸ میلیارد دلار را تخصیص داده است که به عقیده وزیر دفاع پیشین آمریکا رابرت گیتس این مبلغ برای تقویت ارتش افغانستان ناکافی است (wyatt, March 2011).

اقتصاد افغانستان نیز قادر به حمایت مالی از ارتشی در این حجم نیست و در نتیجه بدون کمک‌های خارجی قادر به تأمین هزینه نظامی خود نبوده و این کشور به ناامنی شدیدی گرفتار خواهد شد.

ژنرال باری مک کارفی در گزارش خود که حاصل تحقیقاتش در رابطه با وضعیت امنیتی افغانستان به آکادمی نظامی ایالات متحده است چنین می نویسد:

«ارتش ملی افغانستان در وضعیت بسیار نامساعدی در رابطه با منابع قرار دارد. این مسئله تأثیرگذار بر روحیه سربازان می‌باشد. برخی فرماندهان افغان در صحبت‌هایشان می‌گفتند که اسلحه‌هایی که از طالبان گرفته شده به مراتب بهتر از سلاح‌های ارتش افغانستان است. ارتش ملی افغان فاقد خمپاره‌اندازهای مدرن، مسلسل‌های پیشرفته، MKV، آن‌ها تقریباً فاقد هلی کوپتر، زره‌پوش و دوربین‌های دید در شب هستند. این وضعیت باعث عدم کارایی ارتش گردیده است (Mc Coffrey, Lune 2002).

ارتش ملی افغانستان با مشکلات دیگری نیز علاوه بر موارد فوق روبه‌رو است که می‌بایست هم‌زمان با خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان حل گردد. ارتش ملی افغانستان توانایی اعمال اراده بر جنگ‌سالاران را ندارد و این احتمال که با خروج نیروهای آمریکایی، افغانستان صحنه نبرد جنگ‌سالاران گردد، ناتوانی ارتش ملی را به دنبال خواهد داشت.

مشکل بعدی مسئله اقتصاد معیشتی بدنه ارتش افغانستان است. هم‌اکنون مقدار پرداختی ماهیانه به یک افسر افغانی ۱۶۵ دلار است که با حق مأموریت و میزان پاداش‌های دریافتی گاه‌گاه تا ۲۸۰ دلار می‌رسد که البته این مبلغ تنها در استان‌های هلمند و قندهار قابل استحصال است و در مناطق شمالی میزان دریافتی به مراتب از ۲۸۰ دلار کمتر است. در این شرایط طالبان برای هر روز همکاری کشاورزان مناطق جنوبی ۱۰ دلار هزینه می‌کنند (Wyatt, 2011). که این مسئله با توجه به قید و بندهای نظامی در ارتش ملی افغان بسیار جذاب‌تر است تا پیوستن به ارتش ملی و این در حالی است که هزینه زندگی در سال‌های اخیر روندی صعودی داشته است و برای مثال در کابل هم‌اکنون قیمت زمین برای ساخت مسکن و اجاره‌بها تفاوتی با تهران و یا دیگر شهرهای مهم جهانی ندارد و این در حالی است که دریافتی یک افسر افغانی کفاف تأمین زندگی یک سرباز افغان را نخواهد داشت. فقر اقتصادی ظرفیت زیادی را برای فساد ایجاد می‌کند که این مسئله با توجه به میزان بالای فساد اداری در افغانستان، احتمالاً ناکارآمدی ارتش افغانستان را در پی خواهد داشت. مشکل بعدی ارتش افغانستان مسئله عدم وجود مسئولیت‌پذیری در این نبرد است که ریشه در مسائل اقتصادی، عدم مشروعیت دولت و مسائل فرهنگی دارد. بنا بر گزارش بازرسی عمومی آمریکا از افغانستان، این وضعیت به مرحله هشدار و خطر رسیده است. بنابراین گزارش<sup>۴</sup> سربازان نظام وظیفه ارتش ملی افغانستان در مسئولیت‌های خود حاضر نمی‌شدند. آن‌ها هیچ‌گونه حرف‌شنوی نسبت به افسران خود ندارند. این مسئله یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ارتش ملی، نیروهای ناتو و نظامیان آمریکا در مقطع کنونی است (Salzai, 2011) علاوه بر این میزان غایبان از خدمت نظام وظیفه نیز بسیار زیاد است که موجب تضعیف روند حمایتی ارتش برای نیروهای آماده به خدمت می‌باشد.

مشکل دیگر ارتش افغانستان توزیع نامناسب نیروهای ارتش ملی است که با توجه به تمرکز این نیروها در کابل و استان‌های اطراف کابل عملاً حاشیه‌های سرزمین افغانستان را فاقد کنترل ساخته است. نیروهای نظامی در استان‌های جنوبی نیز با فشار سنگین کاری و امنیتی روبه‌رو هستند و این در حالی است که شمال تقریباً آرام و با ثبات است و



این مسئله نیاز به گردش نیروها از شمال به جنوب و برعکس را ایجاد ساخته که با توجه به مسائل قومیتی مشکلاتی را ایجاد نموده است.

### تجزیه و تحلیل

دولت افغانستان در رابطه با افزایش تهدیدات از سوی گروه‌های تروریستی یک موافقت‌نامه همکاری استراتژیک با دولت آمریکا توسط حامد کرزای و جرج دبلیو بوش رؤسای جمهور افغانستان و آمریکا به امضاء رسانیده است. در این موافقت‌نامه که در ۲۳ می ۲۰۰۳ به امضاء طرفین رسید بر موضوعاتی همچون همکاری‌های امنیتی و تلاش‌های مشترک بر علیه تروریسم سازمان یافته و بین‌المللی تأکید شده و به همکاری‌های دو جانبه بین‌المللی، حمایت از قانون اساسی افغانستان و مشارکت در اجرای مفاد منشور سازمان ملل نیز اشاره شده است (Document, 23 May 2005).

در این چارچوب مهم‌ترین وظایف ایالات متحده در قبال افغانستان به شرح زیر است:

- کمک به سازمان‌دهی، مدیریت و جذب نیروهای امنیتی افغانستان با هدف ایجاد ظرفیت برای به عهده‌گرفتن

### مسئولیت‌های امنیتی

- مشاوره و کمک به بهبود اوضاع افغانستان و حمایت از وحدت، استقلال و امنیت این کشور

- کمک به دولت افغانستان در رابطه با اصلاح بخش امنیتی

- تداوم عملیات علیه تروریسم با همکاری نیروهای افغان

- حمایت از کمک‌های نیروهای ائتلاف به دولت افغانستان در زمینه مبارزه با مواد مخدر

- ادامه همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی

- تقویت رابطه افغانستان و ناتو

- تحکیم و تقویت امنیت مرزهای افغانستان (Joine Declaration, 23 May 2005)

ژنرال مایک مولن رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در نشست خود با حامد کرزای در کاخ ریاست جمهوری افغانستان می‌گوید: آمریکا تعهدات بلند مدتی را در رابطه با حمایت از دولت افغانستان در عبور از دوره گذار تقبل نموده است و در تقویت نیروهای امنیتی تلاش می‌نماید (Mullen, April 2011). ایالات متحده می‌بایست برای عبور دولت افغانستان از شرایط کنونی همکاری‌های بلندمدتی با دولت افغانستان داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مشکلات دولت افغانستان که ایالات متحده می‌بایست به حل آن کمک نماید مسئله فساد است که در بلند مدت ممکن است ناکارآمدی را ایجاد می‌نماید (Sharm, April 2009 : P3).

### نتیجه‌گیری

خروج آمریکا از افغانستان یک لحظه تاریخی همچون خروج نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ می‌باشد. علاوه بر این موضوع بر تحولات خاورمیانه، جنوب آسیا و آسیای مرکزی نیز تأثیرگذار می‌باشد. تصمیم آمریکا مبنی بر خروج از افغانستان در شرایطی گرفته شده که دولت و جامعه آمریکا دارای مشکلات مالی عمده‌ای هستند و دولت آمریکا نیز به اهداف خود در افغانستان نرسیده است. اهدافی همچون از بین بردن طالبان و القاعده و همچنین از بین بردن کشت مواد مخدر در افغانستان. از طرف دیگر افغانستان نیز در مرحله ثبات قرار

ندارد و با بحران‌ها و مشکلات زیادی روبه‌رو است. ضعف فرهنگی و عدم همسانی عقاید مردم با ارزش‌های دموکراتیک، فعالیت طالبان، دولت ورشکسته و عدم دولت - ملت‌سازی را می‌توان از این دسته مشکلات برشمرد. خروج نیروهای آمریکا از افغانستان به معنی بازگشت وضعیت افغانستان به شرایط دهه ۹۰ نیست بلکه به معنی فشار بیشتر به دولت افغانستان است تا با حمایت عملی کمتری از طرف دولت آمریکا مسئولیت امنیت کشور را به‌عهده بگیرد. مسئله طالبان و امنیت است که باعث شده تا ناامنی علی‌الخصوص در مناطق جنوبی گسترش یابد. مشکل بعدی دولت افغانستان مسئله جنگ‌سالاران است که علی‌رغم فعالیت در شرایط کنونی اما از توان‌مندی بالایی برای همکاری یا مخالفت با دولت برخوردار هستند و عملاً مشروعیتی مشابه با دولت در مناطق تحت کنترل خود را دارا می‌باشند. مشکل بعدی مسئله اقتصاد ضعیف این کشور است که عملاً آزادی عمل دولت را محدود نموده و وابستگی به کمک‌های خارجی را افزایش داده است. مسئله بعدی مجموعه مشکلات فرهنگی از قبیل مخالفت با دموکراسی از سوی بخشی از جامعه، قومیت‌گرایی و عدم مشروعیت دولتی است. مجموعه این مشکلات عملاً دولت افغانستان را در تقسیم‌بندی‌های جهانی در زمره دولت‌های ورشکسته قرار داده است.

افغانستان در جنوب آسیا و حتی خاورمیانه پس از خروج نیروهای آمریکا، هم با چالش‌هایی روبه‌رو است و هم احتمالاً می‌تواند فرصت‌هایی را پیش رو داشته باشد و حلقه اتصال برداشت‌های مثبت و منفی مسئله امنیت داخلی افغانستان است که در صورت ایجاد امنیت و ثبات در این کشور قطعاً روند تحولات در منطقه دگرگون خواهد شد.

#### منابع

عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳) نظریه‌های امنیت (جلد اول) چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

عزتی، عزت‌الله؛ (۱۳۸۶)؛ نظریه‌های جدید در جغرافیای سیاسی؛ تهران: انتشارات قومس.

کالینز، جان. ام (۱۳۸۳)، استراتژی بزرگ. ترجمه کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل

لاکوست، ایو و ژیلین، بتیریس (۱۳۷۸) عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، ترجمه علی فراستی، تهران: نشر آمن

Acharya, Arabinda, and Syed Adnan Ali Shah Bukhari, and Sadia Sulaiman, (2009), Making Money in the Mayhem: Funding Taliban, Insurrection in the Tribal Areas of Pakistan, Studies in Conflict & Terrorism, NO. 32, Copyright © Taylor & Francis Group, LLC ISSN:1057-610X print /1521-0731online.

Aras, Bulent and Sule Toktas, (Summer2007) Afghanistan's Security: Political Process, State building and Narcotics, Middle East Policy Council, Available at <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/afghanistans-security-political-process-state-building-and-narcotics>.

Armitage, L. Richard and Samuel R. Berger and Daniel S. Markey, (2010), US strategy for Pakistan and Afghanistan, Council on Foreign Relations.

Barfield, Thomas and Neamatollah Nojumi, (Winter 2009), Bringing More Effective Governance to Afghanistan:10 Pathways to Stability, Middle East Policy Council, Available at <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/bringing-more-effective-governance-afghanistan-10-pathways-stability>.

Document (May 23, 2005), Joint Declaration of the United States-Afghanistan Strategic Partnership, United States White House Press Office, available at <http://www.afghan-web.com/politics/us-afghan-partnership.html>.

- Jalalzai, Musa Khan, (16, June 2011), The Unwanted US Withdrawal from Afghanistan, outlookafghanistan.net, available at [http://outlookafghanistan.net/topics.php?post\\_id=916](http://outlookafghanistan.net/topics.php?post_id=916).
- Kuntzsch, Félix(July 2008), Afghanistan's Rocky Road to Modernity: Non-State Actors and Socio-Political Entities in the Process of State- and Nation-Building, Programmed Peace and security internationals, Institute Quebecois des international Studies Available at [http://www.psi.ulaval.ca/fileadmin/psi/documents/Documents/Travaux\\_et\\_recherches/Afghanistan\\_s\\_Rocky\\_Road\\_to\\_Modernity.pdf](http://www.psi.ulaval.ca/fileadmin/psi/documents/Documents/Travaux_et_recherches/Afghanistan_s_Rocky_Road_to_Modernity.pdf).
- LaFraie, Najibullah, (2009), Resurgence of the Taliban insurgency in Afghanistan: How and why?, International Politics Vol. 46, No.1, Palgrave Macmillan, Available at [http://www.humansecuritygateway.com/documents/JIRD\\_ResurgenceOfTaliban\\_Afghanistan.pdf](http://www.humansecuritygateway.com/documents/JIRD_ResurgenceOfTaliban_Afghanistan.pdf)
- McCaffrey, R. Barry (3 June 2006), "Academic Report, Trip to Afghanistan and Pakistan [http://www.washingtonspeakers.com/prod\\_images/pdf/McCaffreyBarry.VisitToAfghanistan.pdf](http://www.washingtonspeakers.com/prod_images/pdf/McCaffreyBarry.VisitToAfghanistan.pdf)
- Mullen, Mike, (23April 2011), USA has long term commitment to Afghanistan, Available at [http://www.gmic.gov.af/english/index.php?option=com\\_content&view=article&id=216:website-journalist&catid=38:news&Itemid=87](http://www.gmic.gov.af/english/index.php?option=com_content&view=article&id=216:website-journalist&catid=38:news&Itemid=87)
- Mullen, Rani D.( July 2008), "Democracy-Building at the Precipice in Afghanistan" Taiwan Journal of Democracy, Volume 4, No.1
- Obama, Barack, (Jun 22, 2011), Obama speech on troop withdrawal from Afghanistan , Available from [http://ed.msnbc.msn.com/\\_news/2011/06/22/6920627-live-obama-speech-on-troop-withdrawal-from-afghanistan](http://ed.msnbc.msn.com/_news/2011/06/22/6920627-live-obama-speech-on-troop-withdrawal-from-afghanistan)
- Poulligny, Béatrice, (2000), Promoting Democratic Institutions in Post-conflict Societies: Giving Diversity a Chance, International Peacekeeping, Volume 7, Issue 3, <http://web.archive.org/web/20011125160021/http://www.afghanistanfoundation.org/Docs/Whitepaper.htm>
- Radin, CJ (May 9, 2011), Afghan National Army update, May 2011, The Long War Journal, available at [http://www.longwarjournal.org/archives/2011/05/afghan\\_national\\_army\\_4.php](http://www.longwarjournal.org/archives/2011/05/afghan_national_army_4.php)
- Rotberg, I. Robert, (Summer, 2002), The New Nature of Nation-State Failure, The Washington Quarterly, The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts Institute of Technology
- Sharm, Raghav, (April2009), India & Afghanistan, IPCS, Institute of Peace and Conflict Studies, New Delhi, Available at <http://casi.ssc.upenn.edu/system/files/Related+Resource+-+SR69-Final.pdf>
- The Stationery Office,( 2009) Global security: Afghanistan and Pakistan, eighth report of session 2008-09, report, together with formal minutes, oral and written evidence, Great Britain: Parliament: House of Commons: Foreign Affairs Committee, available at [http://books.google.com/books?id=LEykWNn9-9EC&pg=PA70&dq=Obama+strategy+in+afghanistan&hl=en&ei=b6IeTt2NOs\\_GswaB-5D8AQ&sa=X&oi=book\\_result&ct=result&resnum=10&ved=0CFoQ6AEwCQ#v=onepage&q=Obama%20strategy%20in%20afghanistan&f=false](http://books.google.com/books?id=LEykWNn9-9EC&pg=PA70&dq=Obama+strategy+in+afghanistan&hl=en&ei=b6IeTt2NOs_GswaB-5D8AQ&sa=X&oi=book_result&ct=result&resnum=10&ved=0CFoQ6AEwCQ#v=onepage&q=Obama%20strategy%20in%20afghanistan&f=false)
- Wyatt, Caroline,(9 March2011), Can Afghan National Army survive Nato exit?,BBC Website, Available at <http://www.bbc.co.uk/news/world-south-asia-12681599>
- Scott, Zoe, (May 2007) "Literature Review on State-Building" University of Birmingham, International Development Department, available at [www.gsdrc.org/docs/open/HD528.pdf](http://www.gsdrc.org/docs/open/HD528.pdf)
- OECD, (July 2009) State building in fragile situations – How can donors ‘do no harm’ and maximize their positive impact? Country case study – Rwanda, Organization For Economic

CO-Operation and Development Joint study by the London School of Economics and Price water house Coopers LLP, Available at [www.oecd.org/dataoecd/30/54/45582738.pdf](http://www.oecd.org/dataoecd/30/54/45582738.pdf)  
Yamin, Tughral, (July14, 2011), US withdrawal: Implosion, or peace for Afghanistan? [blogs.tribune.com.pk](http://blogs.tribune.com.pk), available at, <http://blogs.tribune.com.pk/story/6979/us-withdrawal-implosion-or-peace-for-afghanistan/>

Archive of SID